

«کاروان شأن انسانی برای بومیان»

در مجلس مکزیک

میلیون ها نفر در مکزیک، شاهد سخنرانی زاپاتیست ها از تریبون مجلس بودند، که از چند کانال تلویزیونی مستقیماً پخش می شد

در هر کشوری، با روزهایی مواجه ایم که در آن تاریخ آن کشور رقم زده می شود. یکی از این روزها برای مکزیک، روز ۲۸ مارس ۲۰۰۱ است. این روز بی شک در تاریخ مکزیک جاودان خواهد ماند. پس از چهارده روز، پیمودن ۳۰۰۰ کیلو متر و برگزاری ۳۳ آکسیون در ۱۲ ایالت مکزیک، در روز یکشنبه ۱۱ ماه مارس ۲۰۰۱ کاروان زاپاتیستی وارد شهر مکزیک شد، درگیری در «بالا» خود را در مطبوعات نمایان کرد. دولت مکزیک، که تاکتیک «سوار شدن بر جنبش» را دنبال می کرد، از طرفی با اوج گیری گرایش عمومی به زاپاتیست ها، و از طرف دیگر در عدم اتحاد و هماهنگی در «بالا»، بخصوص در درون حزب آکسیون ملی PAN، با شکست سختی مواجه شد. بگذارید گذاری بر روند ماجرا داشته باشیم:

از همان روز اعلام برنامه کاروان توسط EZLN، در «بالا» [در سطح حکومتی و رسمی] و «پائین» [در سطح مردمی] بحث های گوناگونی شکل گرفت. در «اعماق» در شهرهای مختلف و در جلسات گوناگون در کنار بحث روی چگونگی حمایت از EZLN روی موضوعات مختلف دیگری از قبیل قراردادهای سن آندرس، نژادپرستی (اگر چه این موضوع در رسانه ها مطرح نیست، به نظر جامعه شناسان مکزیک، این کشور یکی از نژادپرست ترین کشورهای جهان است)، «طرح پوئبلا پاناما» (یا آنچه در دوران شش ساله ریاست جمهوری ارنستو زدیوو به عنوان طرح راهروها معروف بود) و دست آخر همکاری و وحدت سازمان ها و گروه های چپ و... گفتگوهای پرباری انجام پذیرفت. در روزهای بین ۱۱ و ۲۸ مارس، در مدرسه ملی انسانشناسی و تاریخ ENA، وابسته به دانشگاه خود مختار مکزیک، گروهی از معروفترین هنرمندان و فرهنگیان منتظر ملاقات با فرماندهان زاپاتیست و اعلام همبستگی خود با آنان بودند، از گروههای مختلف موسیقی راک تا نویسندگانی چون کارلوس مونسویویس، کارلوس مونته مایور، خوزه ساراماگو، گابریل گارسیامارکز و...

در «بالا» نیز اگر چه بحث ها در هدف و محتوا فرق داشت، اما در شکل گیری بحث با «پائین» وحدت عمل برقرار بود. این بحث ها اما به درگیری و اختلاف نظر در شیوه سرکوب، اتهام یکدیگر به میانه روی و کوتاه آمدن، برخورد سرسری و دست آخر به نامیدن یکدیگر به عنوان «بلندگوی مارکوس» انجامید. «دیگو فرناندز د سپایوس»، هماهنگ کننده سناتورهای حزب آکسیون ملی، و سردمدار مخالفان دعوت سخنرانی زاپاتیست ها از تریبون مجلس، در همایش سراسری حزب آکسیون ملی، علناً ویسنته فوکس را سخنگو و مبلغ مارکوس و زاپاتیست ها خوانده اعلام می کند که همه نمایندگان حزب آکسیون ملی سخنرانی زاپاتیست ها را در مجلس بایکوت خواهند کرد.

اغلب بلندگوهای تبلیغاتی، رادیو، تلوزیون و مطبوعات، یک صدا از این می گفتند که چون تریبون مجلس متعلق به نمایندگان است، و زاپاتیست ها نمایندهٔ انتخابی مردم نیستند، پس حق استفاده از آن را ندارند. تنها دو حزب «انقلاب دمکراتیک» PRD و «کارگر» PT رسماً اعلام کردند که خواهان گفتگو با زاپاتیست ها هستند. این درگیری ها تا روز دو شنبه ۱۹ مارس ادامه داشت.

پس از آن که روشن شد زاپاتیست ها نخواهند توانست در سالن اصلی مجلس، واز پشت تریبون مجلس، به عنوان عالی ترین تریبون کشور سخنرانی کنند، طی اطلاعیه ای، دلائل خواست صلح توسط خود و عدم علاقهٔ دولت و احزاب راست از طرف دیگر را روشن کرده، اعلام کردند که:

«ما خلق های بومی (اینديو) دیگر دری را به استدعای آن که به حرفمان گوش کنند و پاسخ مان دهند، نمی زنیم و نخواهیم زد. خواست پاسخ به حیثیت و شأن مان، تنها خواست ما نیست، این خواست تمام مکزیکی های صادق و خواست همهٔ انسان های خوب در جهان است.»

و در جای دیگری از همان اطلاعیه می گوید:

«... به خاطر تمام آنچه یاد شد:

۱- EZLN تصمیم گرفت به اقامت خود در شهر مکزیك پایان بخشد و بازگشت خویش را به کوهستان های جنوب شرقی مکزیك آغاز کند. حرف دل سیاستمداران روشن است. مردم، خلق های بومی، جامعهٔ مدنی ملی و بین المللی به برحق بودن خواست های ما آگاهند و به آن بدون هیچ شرط و شروطی یاری رساندند. EZLN باز هم در جستجوی فضائی همه گیر برای شرکت هرکس که خواهان یک مکزیك واقعاً متفاوت است، خواهد بود. حقوق بومیان باید در قانون اساسی به رسمیت شناخته شود و ما به جستجوی اشکال جدیدی از مبارزه برای بدست آوردن آن خواهیم بود.

۲- روز ۲۲ ماه مارس سال ۲۰۰۱، هیئت زاپاتیستی یک آکسیون برای بدرود گفتن، در مقابل مجلس بر گزار خواهد کرد تا از خلق مکزیك، جامعهٔ بین الملل و شهر مکزیك به خاطر کمک و میهمان نوازی، طی راهپیمائی و اقامت آن در ایالت فدرال، سپاسگزاری کند.

۳-.....

۶- در روز جمعه ۲۳ ماه مارس سال ۲۰۰۱، هیئت زاپاتیستی شهر مکزیك را به مقصد کوهستان های جنوب شرقی مکزیك، از طریق مسیری که در موقع خود اعلام می شود، ترک خواهد کرد.

۷- در آبادی هایمان، این نتیجهٔ دو گانه را گزارش خواهیم کرد: هم ابهام و دوپهلوی گویی آنهایی که دولت اند، و هم یاری کبیر مردم در مکزیك و در جهان. همچنین بسیج مردم معمولی و حرکتی که تمام نشده است، بلکه در

آغاز است و این که هیچ چیز جلویش را نخواهد گرفت. همراه با آبادی های زیپاتیست، آن هائی که ما را حمایت می کنند و به ما فرمان می رانند، راهی را خواهیم یافت تا همراه با مردمی که، مثل خود ما، برای مکزیک دربرگیرنده همگان، تحمل پذیر، با عدالت و دمکراسی و آزاد پیکار می کنند، مبارزه کنیم.»

این اطلاعیه، شاید مهمترین نقش را در درگیری های درونی «بالائی ها» بازی کرد. EZLN در واقع روشن ساخت که اگر دولت حاضر به پذیرش شرایط در خواست شده نیست، این جریان هیچ نیازی به استفاده از روش مسالمت آمیز ندارد و با توجه به بسیج نیرومندش از دیگر جریانات چریکی این امکان را دارد که به جنگ دامنه داری دست بزند. این حرف آخر EZLN بود!

از همان شب، باز هم بحث های گوناگون، از طریق وسائط ارتباط جمعی در گرفت.

رئیس جمهور مکزیک که در چند مورد از مارکوس درخواست نشست و گفتگوی «چشم در چشم» کرده و وی را به کاخ خود دعوت کرده بود، در روز ۱۹ مارس اعلام کرد که توسط یکی از نزدیکانش یک نامه برای مارکوس فرستاده و او را مجدداً به گفت و گو دعوت کرده است. چند ساعت بعد، وزیر کشور مکزیک، «سنتیاگو کریل» در یک مصاحبه اعلام کرد که «لوئیز ه. آلوارز» نماینده دولت برای صلح، کسی است که این نامه را برای مارکوس برده است. فردای آن روز، در مقابل سؤال خبرنگاران از آلوارز، در مورد این نامه، وی اعلام کرد که اصولاً از چنین نامه ای بی خبر است. این چندگانگی در برخوردها باعث شد افکار عمومی نسبت به دروغ های دولت واکنش نشان دهد. EZLN به برگزار کردن آکسیون های خود ادامه داد. در روزهای بیستم و بیست و یکم ماه مارس، چند سخنرانی در دانشگاه های مختلف برگزار کرد. در ۲۱ مارس، در دانشگاه خود مختار مکزیک (UNAM) مطبوعات از بیش از شصت هزار تماشای سخن گفتند. و کانال ۴۰ تلویزیون تمام سخنرانی را مستقیماً پخش کرد. در این سخنرانی مارکوس اعلام کرد که هیچ نامه ای بدستش نرسیده است و باز هم تأکید کرد تا زمانی که سه پیش شرط EZLN برای مذاکره اجرا نشود، هیچ گفت و گویی در کار نخواهد بود.

روز ۲۲ مارس دهها هزار نفر در مقابل مجلس مکزیک شاهد سخنرانی هیئت زیپاتیستی بودند. حدود ساعت شش و نیم، پس از آن که فرمانده تچو، به عنوان آخرین نفر سخنرانی اش را به پایان رساند، مارکوس به سوی میکرفن رفت و اعلام کرد که:

«در همین لحظه یک نامه از طرف مجلس به ما رسیده است. در این نامه آمده است که در یک رأی گیری، با ۱۱۷ نفر در مقابل ۱۰۷ نفر از ما دعوت شده است که از تریبون مجلس سخنرانی کنیم. ما در چند ساعت آینده به این دعوت پاسخ خواهیم داد.»

نیمه شب، در یک کنفرانس مطبوعاتی، EZLN به مجلس پاسخ مثبت داده خطاب به جامعه مدنی، اطلاع می دهد که بازگشت هیئت به چیاپاز عقب خواهد افتاد و:

«به این طریق رسماً اعلام می کنیم که: EZLN به عنوان چهارمین پیش شرط می خواهد که دولت همایونی یک پُرس آنتی اسید و آرامبخش بفرستد برای آنها که مانند دون دیگو (دیگو فرناندز دِ سه بایوس) هر کاری از دستشان بر می آمد انجام دادند تا جلوی گفت و گو را بگیرند و خواهان بازگشت سربازان بودند برای تعقیب،

در روز ۲۴ مارس گروهی از زنان آرژانتینی، معروف به «مادران میدان مه»^۶ به دیدار زاپاتیست ها می روند.

۲۸ ماه مارس، بر خلاف تمام انتظارات و پیش گوئی های رسمی و مطبوعات، مارکوس وارد مجلس نمی شود. در مجلس اعلام می شود که به عنوان نخستین سخنران، فرمانده *استر*، پیام اصلی EZLN را قرائت خواهد کرد. بعد از او فرمانده داوید، فرمانده سیداو و فرمانده تچو سخنرانی کردند و بعد نمایندگان کنگره ملی بومیان^۷ برای نخستین بار پس از اشغال مکزیک توسط اروپائیان، بومیان این کشور توانستند بیش از سه ساعت مهمترین تریبون این کشور را در اختیار داشته باشند. در لیست دعوت شوندگان توسط EZLN هفت نفر وجود داشتند که نمی توانستند در مجلس حضور داشته باشند، هفت نفر بعنوان سمبرل سرکوب بومیان و مقاومت ایشان. هفت نفر به عنوان نمونه ای از پاکسازی نژادی در مکزیک.

نزدیک ساعت چهار، مارکوس به محل تجمع هواداران و مطبوعات، در مقابل مجلس می آید و منتظر تمام شدن جلسه مجلس می ماند، پس از خروج هیئت از پارلمان و حضور این هیئت و مارکوس بر روی صحنه، به درخواست زاپاتیست ها ابتدا خوانندگان معروف و متعهد مکزیک، «اسکار چاوز» و «گابینو پالومارز»^۸ حدود نیم ساعت برنامه ای پرشور اجرا می کنند.

هیئت زاپاتیستی گزارش کار خود را آغاز می کند و نوبت به مارکوس می رسد:

«..... برادران کنگره ملی بومیان، حالا می توانیم باز گردیم؛ با دست خالی باز نمی گردیم، دستمان پر است از دستانی که فشرديم، دستانی که از نزدیک یا دور درود فرستادیم، دستانی که در کمر بند ایمنی طره شدند تا ما را حفظ کنند، آنها که نیرویشان را گذاشتند تا آذوقه ما را آماده کنند، آنها که محلی را که در آن شب را گذراندیم، ساختند و آماده کردند، آنها که کلماتی سرشار از کمک و شهامت را به ما نوشتند، آنها که در شب و سحرگاه مواظب ما بودند، آنها که در ۱۱ مارس امسال در زوکلوی (میدان مرکزی) پایتخت، مشت شدند، آنها که خشمناک شدند وقتی کله شقی چند نفر سعی می کرد باب گفت و گو را ببندد، آنها که در جلسه مجلس شورا و سنا در ۲۲ ماه مارس رأی داد، ما آنها را ندیدیم اما با اضطراب منقبض شدند و حالا در حالی که در شادی ما سهیم هستند، کف می زنند. دستان آنها را با خود می بریم، و دستان، آشکار است! آشکالی هستند که وقتی به هم می رسند، عادت دارند قلب را بگیرند.»

«... متشکریم مکزیک، یک دیگر را خواهیم دید، واقعاً.»

و با «سرود زاپاتیست ها» توسط یک گروه جوان و پر طرفدار به نام «سالاریو مینیمو»^۹ از روی سن بسوی اتوبوس راه افتادند.

روز جمعه، ۳۰ مارس «کاروان شأن انسانی برای بومیان» صبح زود، بدون سروصدا از شهر مکزیک به سوی چیپاز به راه افتاد، تا پس از توقف در «اوآخاکا» و «خوچیتان» به میدان مرکزی «سن کریستوبال د لاس کازاس» برسد تا در حضور هزاران نفر از «پایه های کمک» (ساکنین روستاهای زاپاتیستی) آکسیون اتمام کار خود را

شور و هیجان این کاروان، اگر از مطبوعات مکزیک به سرعت محو می شود، از دل ها نخواهد رفت. خواسته های میلیون ها بومی محروم در این کشور، دیگر تنها در دل کوهستان ها و در چهره پوشیده چریک خود را نمایان نخواهد کرد، «دیگر مکزیک هرگز بدون بومیان سحر نخواهد کرد». این کاروان، اگر به خواسته های مشخص خود هم نرسد، اعلام وجود انسان هائی بود که می خواهند دیگر پس از متجاوزان پانصد سال، یوغ بردگی رهائی یابند. دفاع از آرمان های این محرومان دفاع از حقوق انسانی خود ماست.....

دوم آوریل ۲۰۰۱

(۱) این طرح در زمان زدیو شامل هفت «راهرو» ی تولیدی (از نوع مناطق آزاد تجاری) می شد که مناطق مهمی از خلیج مکزیک و ساحل اقیانوس آرام را در بر گرفته، بین خلیج مکزیک و اقیانوس آرام ارتباط برقرار می گرد، هدف از این طرح وصل کردن مناطق صنعتی در شرق ایالات متحده آمریکا با بازار «شرق» است.

Carlos Monsivalles, Clarlos Montemayor, José Saramago, Gabriel García Márquez(۲)

Diego Fernández de Cevallos (۳)

Santiago Creel(۴)

Luiz Héctor Álvarez(۵)

Las Madres de Plaza Mayo(۶)

Ester, David, Sebedeo, Tacho, Congreso Naciónal Indígena(۷)

Oscar Chavez, Gabino Palomarez(۸)

Salario Minimo حد اقل دستمزد(۹)